

# تاکید به شکل گرایبی و تصویر سازی

**نگاهی اجمالی به نمایش‌های روز اول و دوم نوزدهمین جشنواره تئاتر استانی**



نمایی از نمایش «هنگامه‌ای که آسمان شکافت»: اولین نمایش جشنواره نوزدهم تئاتر استانی که دیروز در مشهد به روی صحنه رفت

گرچه سیدایمان از جثه‌ای ریز برای شخصیت اسپهبد پیروزان بر خوردار است، اما انرژی که بسر صحنه جاری می‌سازد تا حد زیادی این نقیصه را جبران می‌کند. در مجموع کارگردانی هوشمندانه، طراحی خوب اکبری و موسیقی سنجیده، اثری قابل تامل و ارزشمن‌د هنر مندان سزوار را بیش روی مآقرار می‌دهد.

■ **مردان همیشه به خانه باز می‌گردند**

کارگردان: عبدالرحمن عابدی

عبدالرحمن عابدی، بر جسته، چهره خوش ذوق شهرمان از سال گذشته تجربه نوینی را در عرصه تئاتر برای خود و گروهش آغاز نموده که شروع آن با «تله‌موش پرنسس» در سال گذشته و در ادامه «مردان همیشه به‌خانه‌باز می‌گردند» کاراسالش این راه را ادامه می‌دهد و آن چیزی نیست جز تجربه کردن نمایش نامه‌های بزرگ و رفتن به سمت درام‌های جاودانه یونان باستان که استحکام و قوت آنان در طول زمان ثابت شده‌است.

«ادیب شهریار» در سال گذشته دست‌مایه نمایش «تله‌موش پرنسس» قرار گرفت و امسال ترازوی اریوستا و الکترا در دست‌مایه «مردان همیشه به‌خانه‌باز می‌گردند» قرار دارد.

چنین رویکردی به‌این دلیل قابل تامل است که گروه بتواند اثر را با نگاهی هر مونتیک، جانی دوباره ببخشد و در این آزمون پیروز میدان باشد و به حق بر جسته، پیروز ماندانه و سربلند از این کارزار بیرون آمده‌است.

«تله‌موش پرنسس» در سال گذشته یکی از نمایش‌های موفقیت‌آمیز بود که حتی در جشنواره فجر هم درخشید و مهر تایید بسیاری از کارشناسان را کسب نمود. او برای موفقیتش در سال گذشته از همیاری و همکاری صحرایضائیان و

■ **رضا حسینی**

جشنواره تئاتر استان به عنوان آینه‌های تمام از دستاوردهای یک ساله گروه‌های نمایشی شهرستان‌های استان، تنها جشنواره‌ای است که در فرصتی چندروزه با حضور بیش از هشت گروه نمایشی، زمینه‌آشنایی و آگاهی از وضعیت تئاتر در اقصی نقاط استان را برای تمام دست‌اندرکاران و علاقمندان به این هنر فاخر فراهم می‌کند.

بر همین اساس این انتظار همواره وجود داشته که لیست بازیبنی، انرژی را انتخاب نماید تا هم بر قوت و بالا رفتن سطح کیفی جشنواره کمک کند و هم نماینده ارزشمندی برای شهر و دیار خود باشد.

با توجه به اینکه نگارنده سطور خود سرپرستی شورای بازیبنی را عهده‌دار بوده، تلاش نموده تا بهترین‌ها برای حضور در جشنواره انتخاب شوند تا هم حقی از گروهی زایل نشود و هم آثار حداقلی‌ای از تکنیک امروز تئاتر را دارا باشند. اما آنچه در این راستا گفتنی است این که در نگارش این نقدها زاویه دید، قضاوت و داوری نبوده و صرفاً اشاره به نکاتی است که در مرحله بازیبنی آثار مورد توجه قرار گرفته‌است، چه بسا در اجرای جشنواره آثار از ویژگی‌های دیگر بر خوردار گردد که در مرحله بازیبنی به چشم نیامده‌است.

■ **هنگامه‌ای که آسمان شکافت**

کارگردان: حسن شمس‌آبادی

محرم و عاشورا، ناب‌ترین و برجسته‌ترین نمونه میراث فرهنگ معنوی بشری است. این ماه جلو‌گاه ملموس رویارویی نور و ظلمت و نماد سنتیز عدالت و بی‌عدالتی و تقابل ظلمت و آزادی است که استمرار و تداوم این فرهنگ در سطوح مختلف جامعه فر هنگی جز اولویت‌ها محسوب می‌شود و در این میان رسالت جامعه‌هنری و قشر هنر مند با خلق و ارائه آثار هنری در رشته‌های مختلف بر منزلت این واقعه تاریخی افزوده‌است. «هنگامه‌ای که آسمان شکافت» نوشته نصرا.آبادی در این‌میزب بر جسته کشور از جمله این آثار است. نمایشی با مضمون و مفهوم عاشورایی که با نگاهی متفاوت به واقعه عاشورا، مخاطب را به‌وادی سرزمین شهید کر بلایمی‌برد.

آنچه بیش از هر چیز دیگر در آثار مذهبی اهمیت دارد، محتوای آثار نمایشی است، چرا که در سال‌های اخیر ضعف ما در عرصه درام مذهبی بیش از پیش رخ نشان داده‌است و مستافکانه کارگردان‌هایی که در این سال‌ها به سراغ متون مذهبی رفته‌اند کثیرا جوان و کم‌تجربه بودند.

بالیین‌پروده‌اند کارگردانانی که با استفاده از شیوه نوین سعی در اجرای مدرن و ارتباط تنگاتنگ با مخاطب داشته‌اند که حسن شمس‌آبادی، جوان سبزواری از آن جمله‌است. اجرای شمس‌آبادی از نمایش «هنگامی که آسمان شکافت» کاری بدیع و نو است. این نمایش به دلیل کم‌بازیگر بودن و امکانات کم صحنه‌ای در سال‌های اخیر بارها و بارها در شهر سمنان‌ها حتی مشهد به صحنه رفته، اما هیچ‌کدام از کارگردانان نتوانسته‌اند قدمی از متن جلوتر بگذارند و هر کدام به نوعی مرعوب‌نشرزیبایی نمایش شدند و کمتر شاهد اجرای خلاقانه از این متن بوده‌ایم.

اما شمس‌آبادی به کمک محمد اکبری به عنوان طراح صحنه که از چهره‌های شاخص تئاتر خراسان محسوب می‌شود توانسته با فاصله گرفتن از کلیشه‌های رایج به یک اجرای رویکر در همه زمینه‌های طراحی صحنه، موسیقی، نور و … دست پیدا کند و در این میان نباید از بازی روان و یکدست سیدایمان ارضی گذشت.

چار سوق

**تولید کیفی ترین اشعار دفاع مقدس در خراسان**

نویسنده و شاعر دفاع مقدس در حاشیه کنگر هبزر گذاشت ۲۳ هزار شهید استان‌های خراسان گفت: شعر به عنوان یک ابزار هنری کاملاً موثر برای پاس‌داشت و گرامی‌داشت‌نما و یادشهادر جامعه محسوب می‌شود. دکتر هادی منوری افزود: شعر با عاطفه مردم در ارتباط است؛ بنابراین تاثیر شعر از سایر هنرها در ذهن مخاطب بیبسیتر است و به فراموشی سپرده نمی‌شود.

وی درباره شعر دفاع مقدس تصریح کرد: تمامی شعر دفاع مقدس به سمت شعر گرایش نداشته‌است، گرچه در جنگ نیاز به شعر احساس می‌شود، اما به اعتقاد من اگر معدل گیری وجود داشته باشد به سمت شعر پیش‌نرفته‌ایم. وی در خصوص رسالت شاعران در بیان رشادت‌های شهیدان افزود: شعر تاکنون توانسته است در حد بضاعت خود، شادت‌های شهیدان را به نمایش بگذارد؛ اما تا بیان جایگاه واقعی شهیدان راه طولانی در پیش است.

منوری تاکید کرد: استان خراسان جزواستان‌هایی است که بیشترین کمیت‌شعرادر رابطه با دفاع مقدس داشته‌است، ضمن اینکه کیفی‌ترین اشعار دفاع مقدس در کشور در این استان شکل گرفته‌است؛ بزیر اشعراینی که در این استان وجود دارند، خود دفاع مقدس را از نزدیک احساس کرده‌اند؛ لذا شعرشان از نظر کیفیت و کمیت تاثیر گذار می‌باشد. وی اظهار داشت: کارکرد شعر یک کارکرد عینی نیست بلکه یک کارکرد ذهنی می‌باشد و مسئولان فرهنگی کشور باید این پیش‌را داشته باشند که این ذهنیت را بتوانند در کرد و کرد و به عینیت تبدیل کنند که در این صورت به شعر بیشتر توجه شده‌است.

وی درباره جمعیت اشعار چاپ‌شده با موضوع کنگر ه ۲۳ هزار شهید استان‌های خراسان افزود: این کتاب‌ها در جامعه باز خورد بسیار خوبی داشته‌است، به عنوان مثال کتاب «میاندار» در سالی که به چاپ رسید به عنوان کتاب سال دفاع مقدس انتخاب شد و به چاپ دوم و سوم رسید و در سروده‌ها و تصنیف‌ها به نوعی از این اشعار استفاده می‌شود. منوری اظهار داشت: متأسفانه در حوزه دفاع مقدس بحث ترجمه اشعار جدی گرفته نمی‌شود و کمتر آثار دفاع مقدس به دیگر زبان‌های دنیا ترجمه شده‌است که باید حوزه ادبیات و شعر دفاع مقدس از سوی یک مترجم خوب و حرفه‌ای ترجمه شود.

## خطوطِ کمرنگِ دوستی

**نگاهی به عکس برگزیده هفته: اثر مصطفی آریان**

نازنین طباطبایی **بازی‌زدی** -عکس مصطفی آریان به دو لحاظ قابل بررسی است؛ نخست به دلیل داشتن ریشه عاطفی و بیدار کردن حسی آشنا از دوران کودکی و دوم به دلیل پرداختن به گوشه‌ای از اجتماع پیرامون بانگله‌ای متفاوت.

در باره نخستین ویژگی عکس باید گفت: عکاس از حسی قدیمی و لذت‌بخش و البته آشنا برای همه کسانی که بزرگسالی را تجربه می‌کنند، استفاده کرده و در تلاش است تا حس نوستالژی را بیدار کند و یادآور دورانی باشد که سال‌ها از آن دور شده‌ایم. به‌واقع این عکس برای مخاطب، حکم آینه‌های را دارد که در آن هم می‌شود در گذشته‌ها تعمق کرد و هم می‌توان خاطراتی لذت‌بخش را مرور کرد.

شاید بگوئیم که کودک‌کان در عکس‌ها موضوعاتی همیشگی (والبته تکراری) شده‌اند؛ اما باید این نکته را مورد توجه قرار داد که کودکی و پیری هر دو به دلیل داشتن ویژگی‌های خاص این دوران، همواره دور بین‌ها را به سوی خود نشانه برده‌اند، دنیایی که توسط این دو گروه خلق می‌شود همیشه منحصر به فرد و جذاب است و معمولاً مخاطبان ارتباط خوبی را با این دو موضوع برقرار می‌کنند. علاوه بر این، اگرچه کاراکتر این عکس شاید زیاد دیده شده باشد، اما عکاس تنها قصد نشان دادن دو کودک و بازی آن‌ها را ندارد، بلکه به وسیله کودک‌کان تلنگری می‌زند بر بزرگسالان غایب در عکس. در مورد این عکس باید این را نیز اضافه کرد که اگرچه عکس احساس لذت از دوران کودکی را در مخاطب ایجاد می‌کند، اما مصطفی آریان در عکس‌هایش می‌خواهد احساسی مرموز را بیافریند که برای

چار سوق

**منتقدان هم داوری می‌کنند**

مسئول کمیته آموزش و جلسات نقدوبررسی نوزدهمین جشنواره تئاتر استانی خراسان رضوی گفت: در این دوره از جشنواره رضا حسینی، فرشید تمری و سیدجواد اشکذری هیئت داوران منتقدان را تشکیل می‌دهند که آرای خود را در تمامی زمینه‌ها در مراسم پایانی جشنواره اعلام می‌کنند. فرشید تمری افزود: امسال نگاه ویژه‌ای به جلسات نقدوبررسی داشته‌ایم و در همین راستا نشست‌هایمان را با رویکرد جدیدی با عنوان «کافه‌نقد» با حضور حجت طباطبایی، محسن عرب‌امیری، حسین وحدتی و سمانه صدوقی به عنوان کارشناس برگزار می‌کنیم.

وی همچنین از برگزاری دورک‌شاپ در این جشنواره خبر داد و گفت: نخستین کارگاه آموزشی ماه‌شبه (سی‌ام) با حضور محمودرضا رحیمی در زمینه کارگردانی در ساعت‌ده صبح در مجتمع فرهنگی هنری امام‌رضاع) برگزار می‌شود و دومین کارگاه آموزشی یک‌شنبه یکم آذرماه در زمینه بازیگری در همین مکان برپایم‌شود.

تمریرافزوده: به‌رودی‌سایت پژوهش تئاتر خراسان زیر نظر کمیته آموزش راه‌اندازی خواهدشد

**من و ماه**

نمایشگاهی از آثار نقاشی از فرزانه تقوی با عنوان «من و ماه» برگزار می‌شود.

در این نمایشگاه که ۱۲۰ اثر به سبک رئال و سوررئال به نمایش گذاشته می‌شود، از سی‌ام آبان ماه تا پنجم آذرماه در نگارخانه سروش برگزار می‌شود.

فرزانه تقوی با ۷سال سابقه هنری در زمینه طراحی و نقاشی و دارای مدرک مهارت طراحی نقاشی از فنی حرفه‌ای و یک‌سال سابقه تدریس در زمینه طراحی می‌باشد وی در نمایشگاه‌های گروهی مختلف در ایران و کشور‌های دیگر شرکت داشته و این نخستین نمایشگاه انفرادی وی است.

**اجرای نمایش «شایعه»**

اجرای نمایش «شایعه» به نویسندگی ژان میشل ریه و کارگردانی وحیدمیزی‌امروز در آموزشگاه آگاه فیلم برگزار می‌شود.

در این نمایش، مسعود ارض‌اقدس، بهنام بهادری، زهره حسینی، ملیحه حسینی، زهرا شرعیعی، وحید ممیزی و محسن واحدی بازی می‌کنند.

خلاصه نمایش: مرد جوانی از خانمی ساعت می‌رسد و شخصی که شاهد اتفاق است برای نفر بعدی داستان را طو رد دیگری تعریف می‌کند و نفر بعد برای نفر بعدو…



معاصر دارد که هر یک به دنیای خویش مشغول‌اند؛ بزرگسال‌ها یا پدر و مادرهایی که در عکس غایبند و غافل از کودک‌کان‌شان به دنیای خود می‌پردازند و هم چنین غفلت دو کودک‌کان از حضور یکدیگر. این بی‌توجهی را عکاس به وسیله گریه بی‌پاسخ کودک نشان می‌دهد و می‌توان گفت گریه کودک، لحظه‌ای است که مقصود عکاس را کامل می‌کند.

و در نهایت اینکه عکس مصطفی آریان عکسی است از زندگی مردم امروز و روابط جاری بین‌شان؛ این عکس ساده، صریح و بی‌واسطه عصر خجالی امروز را نشان می‌دهد که تمام انسان‌ها را در چنگال خود گرفته‌است و گویی هیچ‌کسی را گریزی از آن نیست، حتی کودک‌کان نیز اسیر می‌شوند در این قدرت پوشالی ناتمام!

بازیگران هم چون آرش تبریزی، علیرضا رواندل و مسعود عقلی است که از بازیگران کهنه‌کار مشهد می‌باشند. میزاسن‌های سیال و هوشمندانه خواسته در صحنه‌های همچون خوابیدن ابراهیم و اسفند به اوج خود می‌رسد. در این نمایش ابزار صحنه بسیار محدود و کم‌تعداد هستند و بازیگران و حرکت آن‌ها در فضای صحنه بیشترین تاثیر را ایجاد می‌کنند. علی حاتمی نژاد، نویسنده و کارگردان خوش قریحه شهرمان در طبقه همکف‌شان که در ادامه نمایش‌های (بگذار گاهی آفتاب بر درپچه چشمانت ببارد، بگذار گاهی در حوالی خیالت پرسه بزتم، آینده نویدبخشی را به همراه دارد، البته نباید از لذت نمایش «باد در هیاهوی عمر پاییز» گذشت که هر از گاهی در گوشه‌ای از ذهن آدمی جلوه می‌کند.

■ **بمانی**

کارگردان: مسعود رشیدی

نمایش‌های دفاع مقدس ارائه‌کننده تصویر زیبا و خردمندانه‌ای از قداست و پاک‌ی انسان‌هایی است که با فضایل فرهنگ ناب اسلامی و هنر بی‌بدیل ایرانی خلق می‌شود و دفاع مقدس به عنوان بزرگ‌ترین مبارز حق علیه باطل در تاریخ این مرز و بوم حک شده‌است.

پس هر چقدر در صحنه‌های نمایش‌مان جلوه‌گاهی از ایثار و شهادت و آزادی و فضیلت و معنویت و زیبایی رایبه نمایش بگذاریم نهایتاً این معنویت فاصله‌داریم. از طرفی رویکرد به مضامینی مثل دفاع مقدس با جنگ تحمیلی و بیان کردن به شیوه تازه و نو که توجه مخاطب را برانگیزد از جمله

مواردی است که هم جسارت می‌خواهد و هم توانمندی،

کاری که هنر مندان فوجان برای رسیدن به این مهم تلاشی وافر داشته‌اند. مسعود رشیدی بازیگر توانمند فوجان این بار به عنوان کارگردان با گام گذاشتن در این وادی «بمانی» بر صحنه جان بخشیده‌اند.

«بمانی» نوشته امیر رستگار در نگاه اول به دلیل دیالوگ‌ها شعاری، نثری چندگانه و غیر ملموس، مخاطب را راضی نمی‌کند، اما ویژگی این نمایش خلق شخصیت‌هاست که برای مخاطب باور کردنی و ملموس به نظر می‌رسد.

شخصیت‌هایی هم چون حوا، تهیمنه، ام‌البین، و مادران شهیدی جنگ تحمیلی.

بمانی که از شهادت فرزندان‌ش نارام است در یک فضای ذهنی با مادرانی بر خوردمی‌کند که هر کدام هم‌چون

او فرزندی در راه اسلام و ایران از دست داده‌اند که در مقابل غمی که در سینه او شعله می‌کشد ناچیز است و به طبقه‌ای بالاتر، نشستن بر جایگاهی ارزنده‌تر. بر همین اساس قرارهایشان را در ستورانی گران می‌گذرانند که بر بلندای یک برج است. ابراهیم و اسفند بر بلندای برج هم چون نگین و نگار قر می‌گذارند یکی برای خوردن شام و دیگری برای دیدار با نامزدش و داوود هم به گارسونی این رستوران ارتقامی‌یابد.

اما در این بلندچیزی نصیبشان نمی‌شود و بابک و بیژن و زیبا و رویا که جز این طبقه هستند و بر نوک این برج لانه دارن چیزی در چنته‌شان نیست که به آن افتخار کنند جز مشتی خزعبلات.

اما بخش مهمی که نباید اهمیت آن را نادیده گرفت صحنه پردازی خلاقانه حاتمی نژاد و هویت جمعی از

موفق تر باشند.

■ **طبقه همکف**

نویسنده و کارگردان: علی حاتمی نژاد

«طبقه همکف» درامی اجتماعی است که با تمرکز به فاصله طبقاتی در جامعه با نظر گاهی روانکوه ان مصائبی را ترسیم می‌کند که پرداختن به هر کدام آن در این سطور اندک نمی‌گنجد و میماند برای اجرای عمومی آن؛ چرا که اگر بخواهیم در اندک زمان تجزیه و تحلیل از نمایش ارائه دهیم شاید حق مطلب ادا نشود.

قصه نمایش از جایی شروع می‌شود که تقریباً همه اتفاقاتی اصلی افتاده‌است. نگین و نگار دو خواهر، برادر مستبد خود را به قتل رسانیده‌اند. ابراهیم و اسفند موبایل شخصی را در دیده‌اند و ابراهیم قرار گذاشته که در قبال گرفتن چند میلیون، موبایل را به صاحبش برگرداند.

داوود، مامور آسانسور از کاری که دارد خسته و بیزار است و اینان همه سودای رسیدن به مراتب بالاتر را دارند، رسیدن به طبقه‌ای بالاتر، نشستن بر جایگاهی ارزنده‌تر. بر همین اساس قرارهایشان را در ستورانی گران می‌گذرانند که بر بلندای یک برج است. ابراهیم و اسفند بر بلندای برج هم چون نگین و نگار قر می‌گذارند یکی برای خوردن شام و دیگری برای دیدار با نامزدش و داوود هم به گارسونی این رستوران ارتقامی‌یابد.

اما در این بلندچیزی نصیبشان نمی‌شود و بابک و بیژن و زیبا و رویا که جز این طبقه هستند و بر نوک این برج لانه دارن چیزی در چنته‌شان نیست که به آن افتخار کنند جز مشتی خزعبلات.

اما بخش مهمی که نباید اهمیت آن را نادیده گرفت صحنه پردازی خلاقانه حاتمی نژاد و هویت جمعی از

خویش دور کند.

قرار گرفتن دو کودک در امتداد یک فرضی، چشم را مدام بر روی خطی حرکت می‌دهد و باعث می‌شود که کودک هم‌پای هم دیده شوند و از زنی هم‌سان یابند. حضور شاخه و برگ‌های درخت که از سمت چپ قاب به داخل هجوم آورده‌اند، به عنوان نشانه‌ای است برای نشان دادن جریان زندگی در عکس که با ترکیب‌بندی خوب عکس در پویایی وهم‌چنین ایجاد یک گف‌ت‌بصری زیبا نقش دارد.

هم‌چنین خطوط بازی «لی لی» «قوی ترین شناسه بصری برای عکس است؛ چرا که به‌واسطه خطوط این بازی به دوران کودکی‌مان بازمی‌گردیم و به خاطر همین خطوط است که این دو کودک در کنار هم جمع شده‌اند. نقش فرعی تر این خطوط، یک